



۲۰۱۶/۰۳/۱۱

نجیب داوری

نامه فارو، زبان دری و منافع ملی

با حضور گسترده و روز افزون پناهنده گان افغان در کشورهای اروپایی و امریکایی از نزدیک به چهار دهه بدینسو- موجودیت ترجمان زبان دری در حل مشکل زبانی پناهنده گان افغان در کشورهای اروپایی و امریکایی یکی از ضرورت های عینی و غیر قابل کتمان جامعه افغانی در کشورهای مذکور بوده و میباشد. تجربه ثابت ساخته است که بسیاری از ترجمان های ایرانی و فارسی زبان نه تنها اینکه با گویشهای زبان دری بلدیت ندارند، بلکه حتی بخود نیز زحمت نداده اند که ترمینالوژی و اصطلاحات زبان دری را فرا گرفته، تا در موقع ضرورت به رفع مشکل بپردازند. شواهدی در دست است که بعضی از ترجمان های ایرانی بخاطر عدم آشنایی به گویش و ترمینالوژی زبان دری، حقایق را تحریف و حتی در برخی موارد خلاف گفته پناهنده افغان، حرفهای جالب و خنده آور به قاضی محکمه ترجمه میکنند.

حالا در حالیکه صدها هزار پناه جوی افغان با امید های زیاد راه اروپا را در پیش گرفته و پول هنگفت با قرض و وام از جیب خانواده ها به قاچاقبر ها پرداخته؛ خیلی درد آور است که در نبود ترجمان زبان دری و با حضور مترجم ایرانی و فارسی زبان نتوانند واقعیت ماجرای زنده گی و مشکلاتی که در افغانستان به آن دست و گریبان اند، به قاضی محکمه باز گو، دوسیه شان رد و دوباره با دنیای از یأس و نا امیدی به افغانستان باز گردانیده شوند. بناً به صراحت و بدون هر گونه تردید میتوان این موضوع را به منافع ملی گره زد. زیرا وقتی صدها هزار افغان با صرف صدها میلیون دالر خودشانرا به اروپا میسرسانند و در آنجا بخاطر عدم دسترسی به ترجمان افغان و دری زبان کیس شان رد میشود، آیا صد ها میلیون دالر از جیب ملت به باد هوا خواهد رفت؟ بگذریم از اینکه ده ها میلیون دالر حق مسلم ترجمان های دری زبان- افغان به جیب ترجمانان فارسی زبان - ایرانی ریختانده میشود.

در نامه فارو به واقعیت، حقایق روشن و مسایل غیر قابل انکار انگشت گذاشته شده است. مسایلی که در حل آن مدتها قبل باید اقدام میشد. هر چند گاهگاهی قدم های کوچک در سطح پیشنهاد از سوی تعدادی از هموطنان با احساس و ملی گرا در دفاع از هویت زبان دری بعنوان یکی از زبان های ملی مردم افغانستان در بعضی از نشرات چاپ و آنلاين شده است؛ اما این بار اول است که نامه یی از سوی یک مجمع معتبر افغانی و بین الاورپایی روی واقعیت غیر قابل انکار و ضرورت موجودیت زبان دری در لست زبانهای پناهندگان کشورهای اروپایی، که عدم آن برای صد ها هزار پناه جوی افغان در اروپا مشکل خلق کرده است، به صورت واضح و روشن به تفسیر گرفته شده است. بناً از اینجا باید به کار دور اندیشانه و ملی گرایانه تنوین گران قانون اساسی سال ۱۳۴۳ در امر هویت بخشیدن به زبان دری، احترامانه گردن نهاد. زیرا اگر نام تاریخی دری بعنوان یکی از زبان های ملی افغانستان در قانون اساسی کشور مطرح نمیشد و کمافی السابق به شکل غیر رسمی به نام قرصی فارسی اکتفا میشد، بدون شک که امروز حرفی در دفاع از حقوق حقه پناهنده گان افغان در اروپا در امر انتخاب ترجمان زبان دری در دست نمیداشتیم. هر چند بعضی ها آگاهانه یا نا آگاهانه طرح زبان دری را در قانون اساسی پرشش بر انگیز و غیر موجه دانسته؛ وعده یی هم در پهلوی حرفهای دیگر در صفحات فیس بوک مطرح میکنند که گویا روی کتاب های درسی مکاتب افغانستان تا نیمه اول دهه چهل هجری شمسی و قبل از آن «قرائن فارسی» نوشته شده بود، دری یعنی چه؟ با آنکه تبصره در ینمورد گپ را بدرازا میکشاند، ولی مؤجز باید اظهار کرد که پرداخت به حقیقت در هر وقت و زمان، هرگز از ماهیت و ارزش حقیقت نمیکاهد. حقیقت تاریخی زبان دری به مانند آفتاب روشن است؛ اینکه دولتمردان و دست اندر کاران علمی- ادبی میهن ما قبل از طرح قانون اساسی سال ۴۳ چرا به چنین یک امر مهم و ملی نپرداخته بودند، سؤال است درخور توجه؟

در نامه فارو آمده است «کتگوری دول اروپایی که هویت زبانی افغانها را نادیده میگیرند و کشورهای بزرگی چون آلمان، انگلستان و فرانسه هم هنوز قادر به درک تفاوت بین فارسی و دری نه شده» سؤال در اینست که وقتی خود ما عمداً هویت زبان ملی کشور خود را زیر سؤال برده، آنرا نادیده گرفته و در موارد ضرورت آگاهانه یا نا آگاهانه، قصدی یا سهوی، از روی عناد و یا هم نسبت عدم درک واقعیت های عینی؛ بجای

زبان دری از زبان فارسی نام ببریم؛ مشکل خواهد بود تا گله ما در مورد از منابع رسمی و غیر رسمی کشور های اروپایی جایی را بگیرد.

من نمیخواهم به آن‌ده از دانشمندان، ادیبان و شاعران محترم زبان دری بی احترامی کنم که ضمن مصاحبات، مقالات، کنفرانسها و ویدیوها، هویت زبان دری را بعنوان یکی از زبانهای ملی افغانستان زیر سؤال برده، و پیوسته اصرار نموده اند که بجای کلمه دری- از واژه فارسی نامبرده شود. و حتی تعدادی تلاش جاگزین ساختن کلمه دری- بجای فارسی را- فارسی ستیزی قلمداد نموده اند. ولی امیدوارم که همه ادیبان اعم از نویسندگان، شاعران و غیره دانشمندان و هموطنان بخاطر منافع ملی کشور به واقعیت های عینی که در نامه فارو به گونه کاملاً منطقی به بحث گرفته شده است، گردن نهاده و از این به بعد فقط بخاطر منافع ملی از زبان دری بجای زبان فارسی نام برده شود. هر چند گفته میشود (زبان دری - فارسی و تاجیکی هر سه یک زبان بوده، و کشیدن دیوار میان زبان مذکور بنام دری، فارسی و تاجیکی کار درست نیست. زیرا زبان مذکور در تحریر یکی است، اگر در گویش یا لهجه فرقی میان وجود دارد این فرق در داخل خود کشور های دری زبان، فارسی زبان و تاجیک زبان نیز وجود دارد. چنانچه در ایران تفاوت گویش میان مردم تهران، قزوین، اصفهان و شیراز وجود دارد، در افغانستان فرق میان لهجه مردم بدخشان، هرات، غزنی و بمشاهده میرسد.) هکذا در تاجکستان.

در این شکی نیست که زبانهای دری- فارسی - تاجیکی از لحاظ متن و تحریر هر سه تقریباً یک زبان بوده و خواننده در مطالعه آن هیچ مشکل ندارد؛ مگر در موارد بسیار محدود و اندک. اما از نگاه لهجه و گویش، میان لهجه دری- فارسی و تاجیکی تفاوت های فاحش موجود است. تا جائیکه در بسیاری موارد طرفین زبان همدیگر را نمیدانند. بار ها بملاحظه رسیده است که بخش فارسی تلویزیون بی بی سی و تلویزیون فارسی صدای آمریکا در پخش فلم های مستند از زنده گی مردم افغانستان و تاجیکستان حرفهای آدم های موجود در فلم ها را در تحت صفحه باز نویسی کرده اند. بدون هر گونه تردید این باز نویسی ویا هم تحریر حرفهای آدم های موجود در فلم- برای شنونده ایرانی که مستقیماً حرفهای مذکور را از زبان گوینده نمیداند؛ بنوبه خود دارای پیام خاص میباشد که نباید آنرا نادیده گرفت.

اما اینکه در داخل هر سه کشور فارسی- دری زبان چون افغانستان، تاجکستان و ایران میان گویش های مناطق مختلف کشور های متذکره نیز تفاوت موجود است، باید علاوه کرد که هر سه کشور متذکره ساختار ترمینولوژی زبانی خاص خود شانرا دارند که از همدیگر متفاوت میباشد؛ به اساس آن زبان فارسی- دری را از نگاه ترمینولوژی و گویش به سه حوزه ذیل باید تقسیم کرد: حوزه کابل- حوزه تهران و حوزه دوشنبه. بناً در معادلات و امور رسمی و دفتری اتباع هر کشور مجبور است تا از واژه ها و ترمینولوژی حوزه مربوط به کشور خود استفاده کند، بنابراین ترجمان هراتی، بدخشی، کابلی، غزنوی، پنجشیری، بلخی- حتی قندهاری و جلال آبادی به رموز و ترمینولوژی زبان دری یا زبان پناهنده افغان کاملاً آشنا و در کار ترجمانی هموطن یا هموطنان افغان هرگز به مشکل مواجه نشده و کدام غلط فهمی در زمینه رخ نخواهد داد. ولی ترجمان ایرانی- فارسی زبان که متأثر از حوزه تهران میباشد. با گویش ها و ترمینولوژی زبان دری کاملاً بیگانه بوده و نمیتواند کار ترجمه پناهنده دری زبان را بوجه احسن انجام دهد، مگر آنکه خود در آموزش ترمینولوژی و لهجه دری تلاش ورزیده باشد؛ که این امر خیلی نادر است. حالا با در نظر داشت اینکه در کامپیوترهای محافل رسمی کشور های اروپا زبان فارسی بعنوان زبان رسمی کشور ایران ثبت بوده و در صورتیکه پناهنده افغان زبان مذکور را بعنوان زبان مادری خود نشانی کند- در جریان محکمه مترجم ایرانی در حالی برایش فرستاده میشود که طرفین، یعنی پناهنده و مترجم بدرستی زبان همدیگر را درک نمیکنند، چه باید کرد؟ عدم ثبت زبان های ملی افغانستان در دفاتر رسمی کشور های اروپایی اگر از یکطرف عدم توجه محافل اروپایی در مورد بوده است از سوی دیگر کاستی ها و بیکیفیتی های دیپلمات ها و غیره دست اندر کاران دولتهای افغانستان را نیز باید به حساب گرفت؛ که بدون هرگونه تردید تحت تاثیر طرفداران واژه فارسی در اقدام چنین یک کار خیر و ملی کوتاهی کرده اند. زیرا متأسفانه طوریکه بملاحظه میرسد در بعضی از سایت های انترنتی، جراید، رادیو ها، تلویزیون ها و صفحات فیس بوک- دری ستیزی با شدت و پررویی هرچه تمام ادامه دارد. که بدون شک روی تصمیم گیری ها محافل سست عنصر دولت افغانستان نیز تاثیر داشته و تاثیر دارد.

در بخشی دیگری از نامه فارو آمده است:

«وقتی از پناهجویان افغان در هنگام درخواست پناهندگی پرسیده میشود زبان مادری شان چیست، آنکه کم سواد است میگوید فارسی حالانکه فارسی نام زبان ایران بوده و زبانهای رسمی و تاریخی افغانستان دری و پشتو میباشد»

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Faroe_naqsh_terjoman_der_panahindaqi.pdf

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

عرضم بحضور دوستان محترم فارو اینست که با در نظر داشت جو موجود نشراتی تعدادی از سایت های انترنتی، تلویزیون ها، رادیوها، اخبار و جراید خدایی خدمتگار و تعدادی هم دستوری که بجای دری پیوسته از فارسی نام میبرند؛ آیا گوش پناهنده افغان به اندازه کافی به نام دری آشنا است؟ تا بجای زبان فارسی، زبان دری را بعنوان زبان مادری اش در جدول مربوط نشانی کند؟

متأسفانه با کودتای منحوس و شرم آور ۷ ثور ۵۷ و شکست پالیسی ملی گرایی رژیم محمد داوود خان، نام فارسی بجای دری طی سی و هشت سال اخیر آنقدر در گوش های مردم پمپ شده است که آدم های کم سواد را مانده - حتی قلم آدم های با سواد و با سواد ترین ها بجای دری بسوی فارسی میلغزد. چندی قبل در برنامه ستاره افغان- تلویزیون طلوع، هنرمند معروف محترمه آریانا سعید به زیبا حمیدی رپ خوان با استعداد بدخشی که به لهجه فارسی ایرانی کلمات اش را ادا میکرد، توصیه نمود که به لهجه دری کلمات اش را ادا نماید- تا مردم کلمات و حرفهایش را بدانند. این توصیه آریانا سعید باعث عصبانیت، اعتراضات و سرو صداهای زیادی از سوی طرفداران واژه فارسی در تلویزیون طلوع و بیرون از تلویزیون مذکور شد، که بلاخره آریانا سعید مجبور گردید- گفته اش را پس بگیرد. بنا برآن تاوقتی تعصب بیمورد و دستوری علیه واژه ملی [دری] با این قوت و شدت ادامه داشته باشد، مشکل است تا از توده های ده ها هزار نفری پناهنده با سواد، نیمه سواد و بیسواد توقع داشت تا بجای زبان فارسی، زبان دری را بعنوان زبان مادری شان در جدول مربوط نشانی کنند و یا هم از مقامات مربوط تقاضای موجودیت زبان دری را در لست مربوط نمایند. مگر اینکه کلیه هموطنان عزیز در راستای تعمیم زبان دری بجای فارسی فقط بخاطر منافع ملی، دست بدست هم متحدانه و یکپارچه بکوشند و عمل کنند.

اما اینکه چگونه از چه طریق میتوان نام زبان دری را شامل لست زبان های مروج پناهنده گان در اروپا ساخت؛ من در اینجا از تجربه افغانهای ساکن در کانادا در مورد مثال میآورم. امید که شرح آن برای هموطنان ساکن اروپا ممد واقع شود.

دولت فدرال کانادا با در نظر داشت احترامی که به فرهنگ و کلتور ملیت های مختلف ساکن اینکشور دارد؛ آموزش زبانهای رسمی - مادری مهاجران را نیز طور غیرمستقیم وارد پروگرام درسی مکاتب نموده و با استخدام استادان در زمینه هفته دو روز بعد از وقت رسمی و همچنان در اخیر هفته ها به متعلمان مهاجر زبان مادری شان درس داده میشود؛ طوریکه در هنگام فراغت از صنف دوازدهم کریدت زبان مادری متعلمان در دیپلوم فراغت شان نیز محاسبه میگردد. تا قبل از سال 2003 زبانهای دری و پشتو شامل لست تدریسی زبانهای مهاجران نبوده و حتی در سطح کانادا مقامات رسمی از زبان های رسمی مردم افغانستان آگاهی نداشتند. در نتیجه افغانهای مهاجر در کانادا از روی ناچار فرزندان شانرا به صنوف زبان فارسی که از طرف معلمان ایرانی تدریس میشد، میفرستادند. نتیجه آن بود که اطفال و نوجوانان افغان با وجود ضایع کردن وقت و با تعقیب صنف زبان فارسی طی چندین سال متوالی از کلاسهای مذکور چیزی را نمی آموختند. و بیشتر شاگردان شکایت داشتند که حتی حرفها و سخنان معلم شانرا نیز نمیدانند. زیرا صحبت معلم فارسی زبان در صنف با صحبت های پدر و مادر شان در خانه بسیار از هم متفاوت میباشد.

این امر باعث سرو صدا های زیادی در میان خانواده های افغان شده و ضرورت ایجاد کلاس های دری در پهلوی کلاس های فارسی مطرح شد. موضوع برهبری محترمه راحله دره وال مالیار و محترمه فخریه مالیار "دختران مرحوم محمد ایوب قاصد مالیار شاعر و شخصیت شناخته شده ملی - ادبی کشور" که هر دو سابقه استادی در لیسه عایشه درانی داشتند، طی یادداشتی با امضای صدها هموطن و مهاجر افغان به مقامات رسمی و ذیربط دولت ایالتی اونتاریو سپرده شد. مقامات رسمی دولت ایالتی اونتاریو بعد از تحقیق و بررسی که استوار بر منابع ایرانی یا هم کتابهای تألیف شده از سوی ایرانی های غرب نشین و غیره مستشرقین ناآگاه بود- نتوانستند جواب مقنع به افغانها ارائه و پیشنهاد ایجاد کلاس زبان دری بجای نرسید. بعداً این دو خواهر و طندوست موضوع را به سفارت افغانستان در اوتاوا- مرکز کانادا کشانیده و خواهان کمک در زمینه شدند. در آنوقت شخصیت ملی، محترم عبدالجلیل جمیلی « از دیپلماتان آگاه و برجسته دوره با سعادت جمهوری شهید داوود خان» منحیث سفیر افغانستان در کانادا وظیفه اجرا میداشت. جناب جمیلی موضوع را مستقیماً به مقامات عالیه دولت فدرال کانادا مطرح، قضیه را جدأ دنبال و با ارائه اسناد و دلایل منطقی به مقامات بلند پایه و ذیربط دولت فدرال کانادا توانستند زبانهای پشتو و دری را شامل لست زبانهای بین المللی مراجع رسمی دولت فدرال کانادا نمایند که بدون وقفه دولتهای ایالتی نیز از آن اطاعت کردند. همان بود که در سال 2003 زبانهای پشتو و دری در سراسر کانادا بعنوان زبان های رسمی و زنده بین المللی برسمیت شناخته شده و شامل لست مراجع رسمی از جمله دفاتر مهاجرت و محاکمات کانادا شد و همزمان تدریس زبانهای پشتو و دری در صنف های جداگانه در مکاتب اونتاریو برای اطفال و نوجوانان افغان آغاز شد. قابل یاد

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

آورید که محترمه راحله دره وال مالیار و محترمه فخریه مالیار بعد از مهاجرت به کانادا با بدست آوردن اسناد معیاری از پوهنتونها و کالج های تورنتو «با معیار های که از سوی بورد تدریسی مکاتب دولت ایالتی اونتاریو کانادا تعیین شده است» شغل مقدس معلمی را کمافی السابق تعقیب و منحیث معلم در مکاتب شهر تورنتو استخدام شدند که بعداً با تاسیس کلاسهای دری در پهلوی وظیفه اصلی افتخار آموزش زبان دری به فرزندان افغان را نیر بعهده داشته و در هر دوره یا سال تدریسی ده ها طفل افغان از برکت عرق ریزی این دو خواهر دلسوز، خواندن و نوشتن زبان دری را میآموزند و خوشبختانه امروز در کانادا و خصوصاً در شهر تورنتو برخلاف کشورهای اروپایی تقریباً تمامی اطفال و نو جوانان افغان از اثر توجه دولت و هموطنان با احساس که در فوق از ایشان نام گرفته شده میتوانند زبان های پدر و مادر شانرا (دری و پشتو) را بخوانند و بنویسند.

در پهلوی این طوریکه در فوق ارائه شد، زبانهای پشتو و دری شامل لست دفاتر مهاجرت و محاکم کانادا شده و از آن تاریخ به بعد اگر مهاجرین افغان و افغانهای که در محاکم کانادا با کدام مشکلی روبرو شوند، در صورت انتخاب زبان دری در روز محکمه مترجم افغان و دری زبان جهت ترجمه حاضر میشود. ولی اگر کسی از روی ندانم کاری و یا هم تحت تاثیر تبلیغات هواخواهان واژه فارسی، زبان فارسی را انتخاب کند؛ در روز محکمه مترجم ایرانی بخدمت حاضر با در نظر داشت اینکه مترجم ایرانی و مهاجر افغان زبان همدیگر را درست نمیدانند. بسیاری از فیصله ها خلاف منافع و مصلحت مهاجر افغان صورت گرفته و مهاجر افغان بدنبال نخود سیاه فرستاده میشود.

تا جائیکه معلومات در دست است زبان های دری و پشتو در مراجع رسمی ایالات متحده امریکا نیز بعنوان زبانهای ملی افغانستان برسمیت شناخته شده است، در زمینه مشکلی وجود ندارد و اگر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا با الگو از افغانهای ساکن کانادا؛ به سفارت های افغانستان مقیم کشورهای اروپایی مراجعه و سفیران را وادار سازند تا در مورد پیشنهادات مشخص و منطقی به مراجع رسمی کشورهای مربوط سپرده و جداً آنرا دنبال نمایند، یقیناً که بمانند کانادا نتایج مثبت را در قبال خواهد داشت. در غیر آن تکیه مقامات مربوط به پوهنتونها و تکیه پوهنتونها به منابع مستشرقین نا آگاه و نشریات یکجانبه ایرانی و مؤلفین ایرانی خارج از ایران؛ کاری را به بجا نخواهد رسانید. در پایان با استفاده از فرصت شعر ناب و نا یابیکه جناب مرحوم ملک الشعرا استاد محمد طاهر هاتف در توصیف و قدامت دری سروده اند، از صفحه فیس بوک استاد عبدالوکیل داوری خدمت هموطنان تقدیم میدارم. حافظ شیرازی در وصف زبان دری چنین سروده است:

چو عندلیب فصاحت فروش شد حافظ
تو قند او به سخن گفتن دری بشکن

و جناب ملک الشعرا هاتف چنین میفرمایند:

یکیست اصل تو و نسل دودمان دری

ندانم ز چه افتاده ای بجان دری

نظر بصفحه تاریخ افگن بینی

ز خضر عمر فزون عمر باستان دری

گذشته های بسی دور را چو بشگافی

به ژرفنای زمان میرسد زمان دری

ذخایریست مسلم بموزه های جهان

کتیبه و لوحه ترجمان دری

خرام توسن نازش به آریانا بود

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

بهند و فارس کشانیده شد عنان دری
چه عالمان و بزرگان و عارفان دارند
کتابهای عریض و قطور زان دری
سه شاعر حنظلہ، عباس و بو حفص بودند
هزار سال پیش از این نوخطان دری
شہید و رابعہ و بوالموید بلخی
بعصر خویش همه بوده قهرمان دری
ابوعلی محمد بلعم مترجم طبری
ز نثر کامل خود شد خدایگان دری
دم از فصاحت و حرف از حلاوتش زده اند
همه رسائل فرهنگ در بیان دری
دری بدرب و بدربار و دره منسوب است
از این سه گشته بیرون نام باستان دری
ز بحر ساحل و ز مهر سایه آگین است
تو نیز بیخبری جانم از جهان دری
مگر که در صدد کشف گنج قارونی
که طرفه رفته ئی از گنج شاپگان دری
سزد که تیغ زبان در نیام باز نهی
دهی چو گوش بشیزینی زبان دری
ز آفتاب چو خفاش چشم میپوشد
کسیکه میکند انکار از زبان دری
برای عرض وجود زبان بسنده بود

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

همین قدامت تاریخی ارمغان دری
ز صاف باده ای افکار نغز انسانی
پر است رطل گران سیوکشان دری
ز شاعران بهار آفرین طرب خیز است
به چهار فصل تر و تازه گلستان دری
هزار ها در ناسفته سخن دارد
به چشم عقل بیفکن نظر به کان دری
به بلخ و غزنه و ایران و هند و خیوه و مرو
جهان بزیر نگین داشت خسروان دری
شنیده ام ز پژوهشگران غرب این حرف
که پر فصیح و بلیغ است طوطیان دری
ترا که کل جدید و لذیذ و خوش آیند است
مرا قدیم و گوار است شهد و شان دری
سخن دراز شد ای مدعی بمن بنمای
تا چه داری از این نخبه ها بسان دری
منم ثناگر اقصانستان خود هاتف
شدم برغم تعصب مدیحه خوان دری

پایان

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ